



خطکش

#من ماسک میزنم

تیر ماه ۱۳۹۹

چند کلام حرف بدون تعارف با مسئولین:

خجالت نمی کشید؟!؟

سر مقاله

زهرا صفری
رشته ارتباط تصویری

شرایط اقتصادی و معیشت مردم یا مذاکرات و برجامی که چندسال زمان و فرصت طلایی برای ساختن کشور را سوزاند و پوساند و خشکاند...؟ برای رفع مشکلات اقتصادی این روزها، کار را در دست کاردان بسپارید، کسی که دغدغه مند و انقلابی باشد و برای بهبود شرایط و پیشرفت تلاش کند، نه آن که با ایجاد فساد در دستگاه ها، کارشکنی کند. فساد در کشور ما سازمان یافته نیست، که اگر سازمان یافته بود، اکنون افراد سرمداری همچون دانیال زاده، طبری، امید اسدیگی و ... پای میز محاکمه نبودند، انقلاب با کسی رو در بایستی نداشته و ندارد، وقتی جلوگیری و ریشه کن شدن فساد در اقتصاد شدنی است و به دست افراد متخصص و با انگیزه و انقلابی حل شده و میشود، چرا در برابر این اتفاقات، اقدام به جایی انجام نمی شود؟!؟

چاره حل مشکلات اقتصادی، مردمی بودن آن است نه چشم امید داشتن به قدرت های خارجی! می دانید در داخل همین کشور چه سرمایه هایی وجود دارد؟ نیروی جوان و با انگیزه ی پای کار که با حضور موثر خود، زمینه ی رشد، شکوفایی و تولید داخلی و قدرت کشور را فراهم می کنند. جوانان، نخبگان و دانشجویان، با استعدادهای مختلف، می توانند موتور حرکت و پیشرفت این جامعه باشند. تاکید و تکرار رهبر معظم انقلاب به جوانان در سخنانشان، خبر از «باور» به داشتن نقطه قوت و ظرفیتی بزرگ در کشور می دهد. فقط کفایت، از این ظرفیت در راهی درست استفاده کنید و توانایی های جوانان را باور داشته باشید!

غیرانیه و ... به راستی از زندگی سخت قشر محروم و مستضعف، خجالت نمی کشید؟ زمان آن نرسیده دلتان برای رفع محرومیت مردم بتپد؟

سخن را کوتاه کنم، از همان روز که در جهت رفع نیاز های تک تک مردم، مستقیم یا غیرمستقیم به این مسند برگزیده شدید، در برابر همه ی مردم و مطالباتشان مسئولید، مسندی برای خدمت به مردم و مسئولیتی سنگین....

این مردم صبور، سالها در سختی ها و مشکلات خم به ابرو نیاورده اند و در جریانات مختلف تا پای جان از این کشور حمایت کرده اند، این مردم همان قشر ضعیف و مستضعفی هستند که در بسیاری از سخنان امام خمینی(ره)، برپادارندگان و صاحبان واقعی انقلاب اند و «پار سنکین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بر دوش قشر مستضعف است.» اعتراضات این مردم محروم از شرایط سخت اقتصادی و معیشتی امروز، هرگز علیه نظام و انقلاب اسلامی نیست، آنچه در رسانه های معاند از مطالبات مردمی دیده می شود سعی و تلاش و خیال خام آنها با هدف ضعیف نمایی جمهوری اسلامی است، حال آنکه عملکرد و وفاداری مردم در این سالها حقیقت دیگری را اثبات می کند.

اما چه رخ داده که پس از گذشتن چهل سال از انقلاب، همانطور که رهبر معظم انقلاب در پیام آغاز به کار مجلس جدید اشاره کردند، در باب عدالت نمره مطلوبی بدست نیاوردیم...؟! اولویت مسائل کشور برای مسئولان چه چیزی بوده است؟ برقراری عدالت و بهبود

آدمیزاد تا کوچک است، از خجالت منعش می کنند. چون خجالت را مانع رفع نیازها و خواسته هایش می دانند. آری خجالتی بودن خوب نیست اما از جایی به بعد، خجالت کشیدن لازم می شود! هر زمان آنقدر بزرگ شدی که تصمیم ها و خواسته هایت به اندازه یک کشور بزرگ شد، باید به خودت بیایی و نگاهی به عملکردت داشته باشی، از اینجا به بعد، باید از درد و نیازهای دیگران آگاه باشی و در برطرف کردن آن، کاش بکوشی...! روی صحبتیم با شماست بزرگواران قوای مجریه، مقننه، قضائیه و ... تک تک شمایی که در این نظام، در جایگاه مسئولیت و خدمت به مردم قرار دارید.

چند وقت است پای صحبت مردم ننشسته اید؟ می دانید اکنون در دل آنها چه میگذرد؟ می دانید چه حالی دارد کارگری که شب ها با رویی شرمسار و چشمانی خیره به زمین، به خانه می رود؟ شرمسار از اینکه چند هفته بلکه چند ماه است، دست خالی به خانه آمده بار آخر با بخشی از حقوق عقب افتاده کارخانه که آن را به سختی پس از روزها اعتراض و وعده مدیر گرفته بود، توانست چند قلم کالای ضروری به خانه بیاورد... می دانید امروز با همان حقوق و اضافه کاری، حتی همین چند قلم ضروری را هم نمی تواند تهیه کند؟! می دانید خجالت چیست و قتیکه مستاجری که چندماه است اجاره خانه اش عقب افتاده، از صاحبخانه حرف از تخلیه خانه می شنود؟! به راستی، با چه حساب و کتابی هزینه تامین مسکن چند برابر شد؟ از مشکلات روستاهای محروم چه طور؟ خبر دارید از داستان بی آبی

خطکش

از شما
صدای دانشجویان /
تشکر و قدردانی
صفحه ۶

دخترونه
میخواهم زنده
بمانم!
صفحه ۵

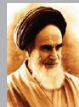
معرفی کتاب
خاطرات
سفیر
صفحه ۴

خط کشی راهنما
هفت کلام
حرف حساب
صفحه ۴

مجازیات
ریتویت
صفحه ۳

یادداشت
دانشگاه یا
مهمانی؟
صفحه ۲

شما جوانان تحصیل کرده، مردان آتیه و فردا و رجال و شخصیت های آینده اجتماعی، باید به هوش و بیدار باشید و با تمامی عوامل عقب افتادگی و تفرق و ذلت ملت های خود مبارزه کنید.



هدیه حسنی
رشته ارتباط تصویری

یادداشت

دانشگاه یا مهمانی؟!!

یک مصاحبه دانشجویی از حق طبیعی یک محصل برای حضور در محیطی کاملاً علمی، نه «عروسی یا سایر متعلقات» دفاع می کند و آن وقت، از من دانشجوی هم کیش او گرفته، —ا عزیزان دلسوز هم وطن نمای آن ور آبی، آنچنان با توهین ها و تهدید ها و کنایه های متنوع مورد لطف قرارش می دهیم که گویا به کل متوجه عرایض و نکات ذکر شده او در آن مصاحبه نشدید!

انگار عینک بدبینی نگذاشت بینیم یک دختر دانشجو، در دفاع تام از هم جنس های خودش، با دغدغه مندی از عمق جان، گله میکند که چرا کرامت انسانی دانشجویان در برخورد های حراست با آنها رعایت نمی شود؟! حتی با وجود اینکه خودش، ملبس به چادر است!

می دانی، اصلاً صحبت، شخص «شریفی ها» نیستند؛ بلکه فحوی کلام حق افراد است، ما هم سن و سالان هم دانشگاهی، اشتراکات فراوانی داریم که گمانم خیلی اوقات نخوآستیم از آنها حرفی بزنیم... مثلاً در مقوله ای چون حجاب، همه مان از برخورد های سرکوب گری همچون گشت ارشاد و دست بند زدن و غیره ای که بهتر می دانید، بیزاریم و معتقدیم جز نتیجه ی معکوس، بار دیگری ندارند...

اما از آن طرف هم، مطمئناً می دانیم که یکسری چارچوب های بازدارنده برای حفظ شانیت و سلامت جامعه، علی الخصوص جامعه ی دانشگاهی مان، لازم و ضروری است، مانند همه قوانین دیگر.

و اما نقطه ی اختلاف کجاست؟

همان بعضی هایمان که عرض کردم، همیشه خدا طلبکار و مدعی ایم که محیط آموزشی ما ال و بل و جیمبل است، اما آن سر دنیا، همه چیز گل و بل بل... آیا هیچ وقت خواسته ایم گشتی در این فضای لایتناهی اینترنت بزنیم و ببینیم دانشجوی های سایر کشور ها، که در امکاناتی مثلاً عالی تحصیل می کنند، چه شرایطی دارند؟ آیا دیدیم و فهمیدیم که در اکثر دانشگاه های مطرح و درجه یک دنیا، قوانینی برای دانشجویان گذاشته شده که در صورت رعایت نشدن، همان دانشجوی به ظاهر خوشبخت، از ادامه تحصیل در آن دانشگاه محروم خواهد شد یا حداقل محدودیت های زیادی خواهد داشت؟ در دانشگاه تگزاس آمریکا همین پروتکل های پوشش، آری همین چارچوب هایی که وقتی در ایران است و برچسب حجاب به آن میخورد، بعضی هایمان عالم و آدم را بهم میریزیم که اجرایش نکنیم... اینطور مدون شده:

«در رابطه با زیورآلات، بیش از دو گوشواره در قسمت پایین هر گوش نمیتوانند استفاده کنند؛ خالکوبی بدون ملاحظه فرهنگی یا مذهبی مجاز نیست. کفش هایشان نباید پاشنه ای بلندتر از ۳ سانت داشته باشد.

حتماً شنیده اید که میگویند آدم وقتی خانه کسی مهمان میشود، باید تابع صاحبخانه اش باشد؛ مثلاً اگر صاحبخانه گفت شما شب در فلان اتاق ما استراحت کنید، نباید مخالفت کند. تا به حال فکر کرده اید که هر کدام از ما آدم ها غیر از ایام خاص مانند عید، دیگر چه مواقعی و کجا مهمانیم؟

بنظرم همه ما در طول سالیان عمرمان، مهمان این کره خاکی هستیم؛ مهمان زمین، کشورمان یا حتی، جامعه مان. البته این نوع مهمانی، یک تفاوت کوچک دارد. شهروند یک جامعه هم مهمان است، هم صاحبخانه! به روایتی، نسبت به خانه و کاشانه و اهل آن مسئولیت دارد.

می دانی! ما یاد گرفتیم با رعایت کردن قوانین مختلف جامعه مثل قوانین راهنمایی رانندگی، قوانین انسانی مربوط به حیوانات و محیط زیست، آداب آپارتمان نشینی و... هرچند سخت و به ظاهر دست و پا گیر، اما می توانیم هم شرایط ایمنی و زندگی بهتر را برای سایر مهمانان ایجاد کنیم و هم نقش «مهمان خوب و صاحبخانه مسئولیت پذیر» را برای جامعه بهتر اجرا کنیم.

جالب توجه است؛ با وجود اینکه بعضی از این قوانین ممکن است به مزاج مان خوش نیاید، اما هیچکدام نه تنها اعتراضی به آنها نداریم، بلکه از اجرا شدنشان حمایت میکنیم. خوب منطقی است، چیزی که به نفع خود و اطرافیان مان است را، هر عقل سلیمی میپذیرد لازم نیست حتماً پیرو مکتب و آئین و دین خاصی باشیم... چند وقتی است، بعضی از ما با نامهربانی و بی مبالائی و حتی بی مسئولیتی خاصی، با برخی از خواسته ها و قوانین جامعه و کشورمان برخورد می کنیم! می پرسید مثلاً کی و کجا؟

خوب، مثلاً همین دانشگاه ها، همین محیط های درسی که یکی از مهمترین امکاناتی هستند که در اختیار ما گذاشته شده تا از آن بهره ببریم. اما ظاهراً فراموش کردیم که این دانشگاه، دانشکده و... را برای چه ساختند! ما برای چه در آن قرار گرفتیم؟! مگر برای چیزی جز یاد گرفتن؟!!

امروز عده ای کلاً در طول ترم مشغول آموزش و بکارگیری انواع و اقسام میکاپ های روز هستند و عده ای دیگر، آنقدر با محیط آموزشی رفیق شده اند که با همان پوشش راحتی منزل تشریف می آورند دانشگاه! یعنی این مسئله اندازه ای از حد گذشته که خیلی کم پیش میاید به زحمات دانشجوی بی نوا، توجه شود، نه به چهره و تیپش! الحق و الانصاف، نهایت آمال و آرزوهای ما از دانشگاه همین بود؟!!

داستان وقتی جالبتر میشود وقتی که یک دانشجو، ناراضی از این وضعیت لب به شکوه باز میکند و در

خط کش



ما راهی را انتخاب کرده‌ایم به عنوان راه بهتر و ممکن است طول بکشد تا دنیا بیسندد.
شهید بهشتی

ادامه یادداشت صفحه دوم:

ریتویت

ام فاطمه
@maryam_m313
جهانگیری: دستاوردهای خوبی در سامان دادن به زندگی مردم کسب کردیم.
پ.ن: ببخشید دستاوردهای بیشتر شبیه دستاوردهای دولت آمریکا است جهت به زمین زدن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، مطمئنید حواستون هست دولت کدوم کشورید؟؟؟

غیاث‌الدین
@vahidtabrizi4
قدرت رسانه چقدر است؟
+با پروپاگاندای رسانه ای میتونی مردم رو مجاب کنی؛
برای ۲۵۰ صفحه متن انگلیسی پرچام بدون مطالعه #چش خرابانی بگیرن!
و برای ۱۵ صفحه متن فارسی قرارداد با چین، بدون مطالعه #ماتم بگیرن!

Hedieh Hasani
@He_Hasani
«مری انسان‌ها زن است. زن مبدأ همه خیرات است. ما نهضت خودمان را مرهون زنها می‌دانیم.» امام خمینی (ره)
حال وقت آن است، تا مجلس انقلابی نوظهور، با رهنمود قرار دادن سیره امام راحل و رهبر عظیم الشان در تکریم بانوان، در راه احقاق حقوق زنان، همسران و مادران این سرزمین به جد بکوشد.

Zeinab Sharifi
@zedsharifi
امنیت برای فراهم کردن آرامش است. سرپرستی که خریدهای ناچیز امروز از سوپرمارکت، قیمت بیشتری از خرید های دیروز او دارد در آرامش است...؟!
امنیت اقتصادی در جامعه به کلی از بین رفته است...
دولت سیاه نمایی‌ها
#خجالت_نمیکشی!؟

ژهر صاد
@Zsafarili
برخی آماده‌ی حلا و خرمای مجلس یازدهم با ردنشدن اعتبارنامه #تاچگردون بودند، که الحمدلله این آزمون بخیر گذشت!
فاتحه و عزای واقعی مجلس آنجاست که وعده #شفافیت به فراموشی سپرده شود...
#شفافیت_بدون_راه_قرار

eDeLe
@ef_adele
+اگر کارگر کار نمی‌کرد شهر آنقدر گسترده نمی‌شد که میان خانه های شما و مردم فاصله بیافتد!
-اگر توی مسئول، با وجدان کار می‌کردی جیب آن کارگر آنقدر کوچک نمی‌شد که وسعش به دومتر قبر هم نرسد
آقای مسئول #خجالت_نمیکشی؟
تاکی #لابی_گری؟

لباس هایشان نباید بدون یقه، تاپ، رکابی و بندی باشند، نباید کوتاه و طوری باشند که هنگام بالا بردن دست‌ها، کمرشان نمایان شود. دور گردن لباس، باید به اندازه کافی بالا و بسته باشد که در هنگام خم شدن، بدنشان نمایان نشود. از لباس های تنگ و بدن نما با پارچه نازک استفاده نشود و لباس ها بلند و مناسب باشند. شلوار جین، شلوارک یا دامن ها نباید بیش از حد شل یا بیش از حد تنگ باشند و طول دامن باید بلندتر از بالای زانو باشد و...» شاید به نظر عجیب بیاید، اما...

همین «اسمش را نبر»، به سادگی توسط آدم هایی که شاید بعضا پیرو هیچ دینی هم نباشند، پذیرفته شده است... میدانی چرا؟ چون هر آدمی یک پیغمبر درونی دارد که او را از بدیهیات آگاه میکند. حالا بعضی از ما فارغ از اینکه در کشوری زندگی میکنیم که بهترین دین خداوند در آن جاریست و این دین، یکی از برنامه های مهمش برای زندگی بهتر انسان، قوانین پوشش است، حتی حاضر نیستیم به نجوهای عقل مان گوش دهیم.

یعنی نمیخواهیم بپذیریم که این موضوع هم همچون هزاران قوانین دیگر، برای امنیت و آرامش خودمان باید قانون و اجرا شود...

نمیدانم...! شاید اگر در مباحث و سرفصل های تعیین شده ی دانشگاهی مان، در کنار حرف و تعریف و تمجید از متفکرین خارجی، از ایدئولوژیست های مسلمانان کم نظیر مرز و بوم خودمان، همچون شهید دکتر مطهری هم منابعی هرچند مختصر در اختیارمان

قرار می گرفت، خیلی زیباتر از آنچه که هست، عاشق و شیفته مکتب مان، «اسلام» می شدیم.

ایدئولوژیست هایی که آنقدر زیبا و با بهره گیری اکمل از عقل و منطق، تمام مبانی و اصول اسلام را باز میکنند که ما با تفکری جزئی بر روی آن به معنای واقعی کلمه، مدهوش دینی میشویم که

شاید تا امروز جز یک اسم شناسنامه ای، چیز چندانی از آن نمیدانیم! خلاصه که من و شما حتی اگر شک و شبهه ای در درستی یا نادرستی یک قانون داریم، راه حل آن قانون گریزی و اعتراضات به دور از شخصیت و جایگاه مان نیست... بهترین راه اتحاد و کنار هم بودنمان، بر اساس اشتراکات فراوانمان است، ما باید با یکدیگر، با گفتگو و مراجعه به مرجع مربوطه، جهت اصلاح آن قانون اقدام کنیم.

به هر حال، موضوعی که حتما شما هم مثل من به آن برخوردید این است که امروز خیلی بیشتر از گذشته، ما دانشجویان به مباحثات دقیق و عمیق از نظریات اسلامی و کرسی های آزاد اندیشی برای گفتمان های اقشار مختلف جامعه دانشگاهی مان نیاز داریم.

مطمئنا اگر فضای گفت و گوی دو طرفه سالم بین ما و هم دانشگاهی هایمان، با هر عقیده و نظری، صمیمانه تر و بیشتر شود، آنقدر اشتراک پیدا می کنیم که یکسری اختلافات هم قابل گذر باشد، یا برای آنها هم بتوانیم راه حل قانونمند در کشور پیدا کنیم.



99 انگار عینک بدبینی نگذاشت ببینیم یک دختر دانشجو، در دفاع تام از هم جنس های خودش، با دغدغه مندی از عمق جان، گله می کند که چرا کرامت انسانی دانشجویان در برخورد های حراست با آنها رعایت نمی شود؟! حتی با وجود اینکه خودش، ملبس به چادر است!



خاطرات سفیر

نویسنده: نیلوفر شادمهری
موضوع: زندگی نامه
انتشارات: سوره مهر
تعداد صفحات: ۲۲۳ صفحه



این کتاب، در برگیرنده خاطرات و ماجراهایی واقعی است که برای یک دختر مسلمان ایرانی رخ می دهد. دختری که برای ادامه تحصیل به فرانسه می رود اما، در بدو ورود او را به چشم یک دختر محجبه می بینند، نه یک دختر دانشجوی دکترا.

نیلوفر قصه ی ما، در این سفر تحصیلی در گیر اتفاقات جذابی می شود. در گیر آدم هایی که برعکس ظاهر و محیط زندگی شان، باطنی پاک و خدایی دارند یا انسان هایی که اعتقاداتشان فقط در حد یک «اطلاع» باقی مانده. آشنایی او با این آدم ها باعث رخ دادن ماجراهای عجیبی می شود؛ ماجراهایی که گاه او را وادار به تصمیم گیری می کند و گاه از او مبلغی می سازد برای دین و کشورش. ماجراهایی چون: محجبه بودن و دست ندادن به نامحرم ها، آشنا کردن یک دوست آمریکایی با خدا، هدیه دادن کلیدی از بهشت به یک هم

دین و...

شما با خواندن این کتاب، ناخودآگاه خود را جای نیلوفر تصور می کنید، دختری که شبیه ماست، هم وطن و هم دین ماست. به راستی، ما اگر جای نیلوفر بودیم در مواجهه با این موضوعات چه واکنشی نشان می دادیم؟

هفت کلام حرف حساب

مروری سریع بر مصاحبه زینب شریفی،
مسئول بسیج دانشجویی دانشکده شریعتی
در میزگرد حجاب و عفاف





من و تو باید پرچم خود را در آنجا در انتهای افق برافرازیم.
هر وقت پرچم را آنجا زدی زمین، آن وقت بگیر و راحت بخواب... ولی تا آن وقت نه!
جاویدالآثر حاج احمد متوسلیان

دخترونه

فاطمه خاکپور
رشته گرافیک

میخواهم زننده بمانم!

برخی فعالین سیاسی و مدنی نیز بالا رفتن سن ازدواج و سخت بودن تشکیل خانواده در این روزگاران را علت این دسته اتفاقات می دانستند. از قانون ازدواج از سنین بالای ۱۸ سال برای پسران و ۱۶ سال برای دختران بگیر تا اجاره خانه و درآمدهای ناکافی و از طرفی بالا رفتن سطح توقع برای شروع زندگی مشترک و ساده نگرفتن ازدواج. چرا نباید زمانی که یک دختر و یا پسر که به سن بلوغ میرسند نتوانند تشکیل خانواده بدهند؟ آن هم در روزگار امروز که با در دسترس بودن رسانه ها، اینترنت و فضای اطلاعاتی نامحدود، نسل جدید در سنین خیلی پایینتری نسبت به گذشته به بلوغ میرسند و نسبت به مسائل آگاه می شوند اما راهی برای برطرف کردن نیازهای خود نمی بینند. مثل این است که فردی تشنه باشد و از فرط تشنگی حال خوبی نداشته باشد؛ اما به او آب ندهیم و بگوییم فعلاً صبر کن تا به سن ۱۸ سالگی برسی! اما نکته جالبتر آنجاست که حتی برای خانواده ها اینکه جوان برای ارضای نیازهای خود از سنین پایین تن به دوستی و روابط نامشروع بدهد آنقدر نگران کننده نیست که ازدواج در سن پایین برای دختران و پسران فاجعه بار است! مگر غیر از این است که این دست قوانین و رسوم جز محدود کردن جوانان ثمره ای دیگر ندارند! مسیر مزدوج شدن روز به روز نه تنها هموارتر نمیشود بلکه سخت و سخت تر هم می شود!

همین چند وقت پیش بود در بین قوانین دیدم قوانین خوب در زمینه ازدواج هم کم نداریم! اما مشکل آنجاست از زمان تصویبشان تا به امروز اجرا نشده اند، اگر این قوانین به درستی اجرا میشدند مشکلات بسیاری از جوانان را برطرف میشد. برای مثال قانون تسهیل ازدواج جوانان که در سال ۸۴ تصویب شد و در آن احداث واحدهای ساختمانی به عنوان «مسکن موقت» و در اختیار قرار دادن آن به زوج های جوان با اجاره مناسب و همچنین اینکه تمامی نهاد های عمومی و شهرداری دارای تسهیلات رفاهی فرهنگسرا و تالار، باشگاه و اردوگاه موظف اند تا فضاهای ذکر شده را برای جشن و مراسم ازدواج در اختیار جوانان واجد شرایط قرار دهند؛ اما متأسفانه همچنان هیچ کدام اجرا نشده اند!

در بین این دیدگاه ها و نظرات، هشتگ «غیرت» زیاد به چشمم می خورد؛ به راستی غیرت به چه معناست؟ آیا غیرت آن گونه که بعضی افراد گفته اند به معنی دخالت کردن است و حیا به معنی در صندوق کردن؟ یا به قول شهید مطهری غیرت، عشق مرد به ناموسش است و حیا احترام زن به خودش! غیرتی که اسلام مد نظر دارد چیزی دور از سخت گیری و از سر عاطفه و عشق به ناموس است و نباید خشم و عصبانیت را با غیرت که یکی از احوالات انسان است و خداوند آنرا در آفرینش انسان تعبیه کرده است اشتباه گرفت. غیرت، علاقه ای است که از رسیدن

آسیب دیگران به محبوب و معشوق جلوگیری میکند، به راستی مگر محبوب پدر و مادر جز فرزندان و محبوب یک مرد جز همسرش است؟!

چشمانم را هنوز کامل باز نکرده ام که گوشی به دست اینستاگرام را باز میکنم. اما یک خبر در بین همه ی پست ها چشمانم را به خود خیره میکند. «میخواهم زننده بمانم»، «پدرم مرا کشت» و ... برای چند لحظه هم که شده نگاهم در صفحه گوشی قفل می شود. دوباره قتل دختر توسط پدر! با خود میگویم چه شده که یک پدر دست به چنین کاری میزند؟! نمی دانم شاید در آن لحظه نتوانستم خودم را جای آن دختر بگذارم؛ آخر تنها پناه دختر مگر غیر از آغوش گرم پدر و مادرش است!

برای یافتن پاسخ، نظرات و هشتگ ها را زیر و رو میکنم، گویا عده ای این قتل ها را فامیلی و خانوادگی شمرده اند و قضاوت ها، دخالت ها و تهمت های بین خانواده ها و فامیل ها را عامل این دسته اتفاقات می دانند. بستگانی که می توانند با رفتار های درست و مسئولانه و امر به معروف و نهی از منکر از بروز چنین اتفاقات تلخی جلوگیری کنند و خیرخواه یکدیگر باشند نه نمکی بر زخم ها و شاید انگیزه ای برای قتل! در شرایطی که بسیاری از خانواده های ساکن روستاها و مناطق خاص، نسبت به خانواده های شهرهای بزرگ، روابط بیشتری با بستگان و اقوام خود دارند و چه بسا سن ازدواج هم در آنان نیز پایینتر است!

هرچه هست نمی توان از کنار این اتفاقات تلخ به سادگی عبور کرد و آن را هم سطح با دیگر جرائم دانست؛ چرا که خانواده یک عنصر از هم ناگسستنی و یک نهاد اخلاقی در جامعه است و مهر و محبت در آن بسیار نقش پررنگی دارد.

کمی پایینتر می روم، نظرات و هشتگ های دیگری توجهم را به سمت خود جلب و سوالات ذهنم را بیشتر میکند: «قتل مرد خانواده توسط همسرش» یا «قتل پسر توسط پدر، نامادری و...»! بر خلاف آنچه تصور میکردم مواردی از اینگونه قتل ها که مرد قربانی می شوند کم نیست و سوالاتی در ذهنم شکل گرفت که چرا همیشه در خبرهایی که این دسته قتل ها بزرگ جلوه داده میشود قاتل مرد و مقتول زن است! موارد مختلف قتل های ناموسی و خانوادگی در صفحات حوادث فراوان است، اما چرا رسانه ها از مردان یا پسرای که مورد ظلم واقع می شوند هیچ گاه حرفی نمیزنند و آن را به گوش مردم نمی رسانند؟ مگر رسانه ها از صرفاً مورد ظلم بودن زنها به چه اهدافی میخواهند برسند؟ گویی هر کس این ماجرا را از منظر و دید خاصی دیده است،



می گویند تقوا از تخصص لازم تر است، آنرا می پذیرم، اما می گویم: آنکس که تخصص ندارد و کاری را می پذیرد، بی تقواست. شهید چمران

از شما
شما هم دانشگاهی عزیز:
هر رشته ای :

#صدای_دانشجو

سلام، در رابطه با آموزش مجازی بگم ما تو سایت مشکل داریم برای مثال گاهی اوقات ۱۰ دقیقه شاید طول بکشد تا وارد کلاس بشیم که تایم از دست میدیم گاهی هم خوبه زود وارد کلاس میشیم، بعضی وقتا تصویر نداریم یا صدا نداریم قطع میشه و دوباره میاد و این مشکل همه بچه هاس... حالا اینا باز هم ایرادی ندارن متوجه میشیم با استاد در ارتباطیم سوال میپرسیم اما کاری کنید که برای امتحانای مجازی که تو سایت مودل هست چنین مشکلی نباشه چون تایم کم میندن اگر بخواد هی گیر کنه بالا نیاد از امتحان جا میمونیم

باعرض سلام و خسته نباشید... بنده بعنوان یک دانشجو چند سوال از مسئولین و اساتید دارم ...
آیا واقعا شرایط تدریس در فضای مجازی با کلاس حضوری یکسانه که اساتید انتظار همان بازده کلاس حضوری رو از دانشجو دارن؟ آیا واقعا برای تدریس درس ریاضی و آمار فقط روخوانی از روی یک پی دی اف توسط استاد کافیه و او موظف نیست برای کلاس مجازی خود شرایطی رو مهیا کند تا به فهم دانشجو کمک کند؟ آیا حالا در شرایط فعلی، اساتید فقط موظفند پشت سر هم و بدون رفع اشکال تدریس کرده و جزوات متعددی روی دست دانشجو بگذارند که دانشجو در شب امتحان با حجم عظیمی از جزوه روبرو شود که هیچ درکی از آنها ندارد؟ چطور دانشجو میتواند خارج از روزهای کلاسی برای کم کاری استاد وقت گذاشته و سر کلاس حضور پیدا کند تا استاد بتواند ۱۶ جلسه آموزشی خود را پر کند اما استاد موظف نیست یک یا دو جلسه اضافه برای رفع اشکال و حل تمرین برگزار کند؟ تمام ۱۶ جلسه باید فقط صرف تدریسی بی بازده شود؟ اگر تدریس بنا به روخوانی از روی یک فایل است پس بنده آمادگی تدریس مطالب درسی را دارم... یک سوال مهم آیا دانشجو مقصر به وجود آمدن ویروس کروناست؟ بعضی اساتید جوری انتقام جویانه در حال طراحی و برگزاری امتحانات خود هستند که گویی دانشجویان سازنده ویروس کرونا اند و وقت گرفتن انتقام سخت است... اساتید محترمی که در کلاس ۲۰ تا ۳۰ آموزش دادید آیا رواست در امتحان جواب معادله چند مجهولی را انتظار داشته باشید؟ آیا اساتید محترم در ایران زندگی نمی کنند و از وضع سرعت اینترنت ایران مطلع نیستند؟ مودل که حداقل ۵ دقیقه زمان می برد دانشجو وارد سایت و آزمون شود، رواست که کمترین زمان ممکن را برای امتحان در نظر بگیرید؟ در نهایت تمام این زیاده گوئی ها تشکر میکنم از اساتیدی که دانشجو را عامل ویروس کرونا ندانسته و انتقامجویی نکردند بلکه تمام سعی و تلاش خود را برای آرامش و آموزش دانشجو انجام دادند...

از مدیریت و دست اندرکاران گروه کامپیوتر سپاسگزاریم که امکانات و فضای آموزش مجازی و غیر حضوری را با کیفیت خوب برگزار کردند.



تشکر و قدردانی

برخود لازم دانستیم از ریاست محترم دانشکده، سرکار خانم گرد و همکاران محترم در معاونت آموزشی، دانشجویی و پژوهشی صمیمانه کمال تشکر را اعلام داریم که در جهت توجه و پیگیری مطالبات دانشجویان خصوصا در جلسه تریبون آزاد روز دانشجو سال ۹۷، اقداماتی از جمله اضافه شدن رشته های کاردانی و کارشناسی ناپیوسته جدید و بهبود کیفیت غذای سلف دانشجویی انجام دادند و به وعده ها جامه عمل پوشانیدند.
بدون شک چشم دانشجویان به عملکرد مثبت شما بسته نیست، از تلاش ها و توجه شما به مطالبات دانشجویان سپاسگزاریم.



این ترم اصلاً خوب نبود، کلاس های مجازی قطع و وصل میشه و در آخر هم سر و ته درسا با یک جزوه تموم میشه !!!

شما میتوانید انتقادات، پیشنهادات و نظرات خود را به نشانی @em_ahmdi (تلگرام و بله) ارسال کنید.
منتظر پیام های شما هستیم):
کانال بسیج دانشجویی در تلگرام، بله و سروش:
@basij_uni_shariaty
صفحه اینستاگرام: @shariaty_bsج
خطکش

سلام، اگه بحث بر انتقاد باشه که کلا رضایت نداریم، نه از وضع آموزش و کلاس مجازی نه شهریه ها... الانم که گفتن از ۱۵ شهریور باز میشه دانشگاه ها اصلاً دل خوشی نداریم، ما دانشجو نباید یکم استراحت کنیم این ترم اونقدر درس دادن که ترم های دیگه نمیدادن و اینکه وضع شاغل هارو اصلاً درک نمیکنن. لااقل سر روز و تایم خودشون کلاس بزارن هر استاد خودش تعیین میکنه کی کلاس باشه. دیگه جونمون به لبمون رسیده. توی حضوری هر هفته یه درس رو بیار کلاس داشتیم، الان هرروز سر کلاس تکراری میریم که خیلی هم از درس جلوییم. هزینه نت و شهریه هم که نگفتم افتضاح... هر هفته من پول نت ۲۰ تومن میدم اونم جدا فقط برای کلاس ها و درس... ممنون که اطلاع رسانی میکنید